

آیین‌های نوروزی در تاجکستان

روح‌الله طاهرخانی تاجکستانی

عضو پژوهشکده شهرستان تاجکستان و عضو انجمن قصه و داستان

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان تاجکستان

نوروز چیست؟

ابوریحان بیرونی، که نوشته‌هایش در زمینه نوروز از آثار غنی و معتبر مکتوب است، می‌گوید: «نخستین روز است از فروردین و از این جهت روز نو نام کرده‌اند که پیشانی سال نو است.» لغت پهلوی کلمه نوروز، نگ روز (Nogruz) است. در لغت‌نامه دهخدا آمده است که خدای تعالی در این روز (نوروز) عالم را آفرید و هر هفت کوب در اوج تدویر بودند و اوجات همه در نقطه اول حمل بود.

مهرداد بهار در کتاب *اساطیر ایرانی* بر آن است که می‌توان این جشن را به روزگاری منسوب داشت که اقوام ایرانی و هند خورشید را ایزدی بزرگ می‌شمردند. همه متون کهن نوروز را به جمشید نسبت داده‌اند، علتش محبوبیت چهره و شخصیت جمشید است که تنها جلوه اسطوره‌اش برای ما بازمانده است.



گروهی از اندیشمندان بر آن هستند که نوروز نمادی از یکتاپرستی ایرانیان است؛ زیرا ایرانیانی که از زمان فرمانروایی تهمورث به گفته برخی از خاورشناسان ستاره‌پرست بوده‌اند در عهد جمشید مزدپرست شده‌اند. جشن نوروز یکی از جشن‌های کهن ایرانی است؛ البته این بدان معنا نیست که نوروز خاص ایرانی‌هاست و دیگر اقوام چنین جشنی نداشته‌اند، می‌دانیم که جشن سال نو در مصر، بین‌النهرین، هند، تاجیکستان، افغانستان و ممالک دیگر نیز برگزار می‌شد. اما ایرانی‌ها شاید جزء اقوام معدودی هستند که این جشن را به‌شیوه خاص خود هر ساله برگزار کرده‌اند و تاکنون زنده نگاه داشته‌اند. پس از اسلام هم با گذاشتن قرآن، کتاب آسمانی، بر سر سفره‌های نوروزی به قداست آن افزودند تا این سنت را هرچه پربارتر حفظ کنند.

اما مردم تاکستان از جمله وفاداران میراث باستانی ایران عزیز هستند و با برخورداری از فرهنگی والا یکی از سنن، مناسک و آداب و رسوم قدیمی را به شیوه سنتی حفظ نموده‌اند. فرهنگ این منطقه میراث ریشه‌دار و گسترده‌ای است که با پیشینه چند هزار ساله بر تارک فرهنگ ایران کهن می‌درخشد. آزادمردان بزرگ و دلاوری در این سرزمین زندگی کرده‌اند و در احیای سنت‌ها، موارث قومی و ملی خویش کوشا بوده‌اند. در این مقاله، که جنبه تحقیق میدانی دارد، سعی و همت بر آن است تا گوشه‌ای از آداب و رسوم را، که مربوط به آیین‌های نوروزی در بین تات‌زبانان تاکستان است و از اذهان و یادها فراموش شده یا خواهد شد بازگو کنم، بر این اساس بود که در رگ‌های دودزده، مسدود و پیر شهر با تعدادی از فضلالی شهر به مصاحبه و گفتگو نشستیم و حاصل آن مصاحبه و گفتگو، تحقیق ذیل است.

معمولاً مجموعه آیین‌های نوروزی از چهارشنبه سوری آغاز می‌شود و با آیین سیزده بدر نوروز پایان می‌پذیرد اما در تاکستان این آیین در ده یا پانزده روز مانده به نوروز با ترانه‌های پیش‌قراولان نوروز (نوروزنامه‌خوان‌ها) که به «نوروز نو سال» معروف‌اند شروع می‌شود. این آیین‌ها عبارت‌اند از: نوروزنامه‌خوان‌ها و نوروزنامه‌خوانی، چهارشنبه سوری (کُله چارشنبه Kole carsanbe)؛ فلسفه کُله چارشنبه در تاکستان؛ رسم آتش‌افروزی کُله چارشنبه؛ واژه کُله در کُله چارشنبه؛ رسم کوزه شکستن؛ فال‌گوش؛ اعتقاد به چهارشنبه خاتون (کوله خاله Kole xale)؛ برای بارورکردن درختان کم بار؛ بخت‌گشایی دختران شوی نکرده؛ سنت کک چینی با داس نوروز در

فرهنگ تات؛ مقدمات نوروز؛ مراسم هنگام تحویل سال؛ مراسم شب عید نوروز؛ مراسم روز عید؛ رسم شال‌اندازی (لوکه ویجینه Lukey vijine)؛ تخم‌مرغ بازی (کرخا وازی Karxa vazi)؛ تیله‌بازی (تله وازی Tele vazi)؛ قاپ‌بازی (قاپه وازی Qapa vazi)؛ سیزده بدر (سینزم Sinzam)؛ تدارکات روز سیزده؛ مکان‌های تعیین شده برای روز سیزده.

بدین ترتیب مراسم نوروز در تاجکستان جلوه‌ای از نمادهای فرهنگ ملی ایران و باورهای کهن همراه آن رنگ و بوی اسلامی و مذهبی نیز به خود گرفته است. امیدواریم که این نوشته حلقه‌ای برای پیوند یادمان‌های کهن با دستاوردهای جدید مردم تاجکستان گردد و بیانگر اصالت تاریخی مردم تات در ترقی فکری و فرهنگی آن مردم شود.

موقعیت و وسعت

شهرستان تاجکستان در شمال‌غربی فلات مرکزی ایران بین مدارهای ۴۹ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و مدارهای ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی از استوا واقع شده است.

ارتفاع متوسط شهر تاجکستان از سطح دریا ۱۲۶۵ متر است. این شهر در طول شرقی ۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه و عرض شمالی ۳۶ درجه و ۴ دقیقه و ۱۵ ثانیه قرار دارد.^۱ شهرستان تاجکستان در غرب استان قزوین قرار گرفته است و از طرف شمال و شمال‌شرقی به شهرستان قزوین و از غرب به شهرستان ابهر و از شرق و جنوب به شهرستان بوئین‌زهرا محدود می‌شود. این شهرستان ۲۴۲۹ کیلومتر مربع وسعت دارد^۲ که حدود یک پنجم مساحت کل استان را دربرمی‌گیرد. فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان قزوین ۳۳ کیلومتر و فاصله آن تا شهر تهران ۱۸۵ کیلومتر است.^۳

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ جمعیت شهر تاجکستان ۵۵۱۸۸۸ نفر ذکر شد. دین مردم شهرستان تاجکستان اسلام و مذهب اکثریت مردم آن شیعه دوازده امامی است. تعدادی از مهاجران افغانی و کردهایی که از غرب کشور به این شهرستان آمده‌اند اهل تسنن هستند؛ البته در شهرستان تاجکستان پیروان ادیان زردشتی و مسیحی نیز زندگی می‌کنند.



زبان مردم شهر تاکستان تاتی است. تاتی تاکستان یکی از گویش‌های بسیار قدیمی و پیشینه‌دار است و قدمت آن با توجه به پیشینه تاریخی این گویش و نزدیکی ساختمان نحوی و آوایی آن با زبان‌های کهن ایرانی مانند پهلوی، فارسی باستان و مادی قابل اثبات است. این گویش از گروه شمالی زبان‌های غربی است و از این نظر با زبان‌های فارسی باستان و مادی و فارسی میانه و پهلوی، که متعلق به دسته غربی هستند در پیوند است.^۴

نوروز جشن بزرگ ملی

نوروز چیست؟

نوروز بزرگ‌ترین جشن ملی ایرانیان است. جشن رستاخیز طبیعت و تجدید زندگی است. جشن حرکت، جنبش، تکاپو و کار و جشن طبیعت است، عید نوروز و گرامی بودن آن نزد ایرانیان بسیار قدیم و کهن است.

نوروزنامه‌خوان‌ها و نوروزنامه‌خوانی

نوروزنامه‌خوان‌ها اکثراً اهل شمال یا طالقان بودند و چند روز مانده به چهارشنبه سوری می‌آمدند و ترانه‌های نوروزی می‌خواندند و به یادآوری‌کننده نوروز و نوروز نوسال معروف بودند. اینها در به‌در می‌رفتند و ترانه‌های نوروزی می‌خواندند. نوروز نوسال‌خوانان دو نفر بودند و کیسه‌ای به گردنشان آویزان می‌کردند و شعرها و ترانه‌هایی برای آمدن سال نو می‌خواندند، از جمله اشعار و ترانه‌های معروف آنها ابیات ذیل است:

نوروز نوسال باشد مبارک	شما را امسال باشد مبارک ^۵
نوروز نوسال بومی پشت بر	عید خو ماجه ترونه از ور
خوشه رون خواندی یه خبر	آنو مش موگو سرخه پنج قرون
آی وارون وارون	آمونه بوار گندم جارون ^۶

هر خانواده‌ای نیز به فراخور وسعش به نوروزنامه‌خوان‌ها هدیه‌ای می‌دادند. هدیه‌ها یا نقدی از قبیل پول یا غیرنقدی از قبیل قند، چای، کشمش و بادام بودند.

چهارشنبه سوری (کُله چارشنبه Kōle čarsanbe)

یکی از رسم‌های کهنی که از دیرباز مردم تات‌زبان تاجیکستان با شور و شوق خاصی انجام می‌دادند آیین کُله چارشنبه یا چهارشنبه سوری است که همین نام بیان‌کننده شادی و سرور آن است.

فلسفه کُله چارشنبه

کُله چارشنبه و برپایی آن نمایانگر برپایی آیینی است که به قصد زدودن ناپاکی‌ها، پلشتی‌ها، تمنای برکت و بهروزی است. چهارشنبه سوری در میان تات‌های تاجیکستان روز بدرود و خداحافظی با سالی است که گذشته و از سوی دیگر استقبال از سالی است که در آستانه حلول است و به احتمال زیاد فلسفه آن در ایران باستان نیز غیر از این نیست چرا که هر یک از مراسمی که در این روز برپا می‌شود تأییدی بر این ادعاست. نذر و نیاز کردن، شکستن کوزه به قصد رفع بلا و سختی و پیسی سال گذشته، کک‌چینی با داس در اندرونی و بیرونی خانه‌ها و ... که همه و همه نشان از گریز از ناراحتی‌ها، افسردگی‌ها و ناملایمات است که هرکس در زندگی خود در طی سالی که گذشته با آن مواجه بوده است: «چون در ایران کهن روزهای هفته رایج نبوده است از این‌رو آتش‌افروزی پیش از نوروز در سه‌شنبه آخر سال انجام نمی‌گرفته است، بلکه این آتش‌افروزی درست پیش از آغاز جشن هم‌سپتمدم (Hamaspātmadam) یعنی در سیصد و شصتمین روز سال که آغاز روزهای گاسانیک یا «پنجه وه» است انجام می‌گرفته؛ زیرا آنان بر آن بودند که فروهرهای نیاکان در آغاز این روز به زمین فرود می‌آیند و برکت و نیک‌روزی برای خاندان می‌آورند. در همین روزها بود که برای راهنمایی آنان به هنگام آغاز شب در بالای بام یا صحن خانه‌ها آتش می‌افروختند و مایه آتش را هم از آتش‌دان ویژه خانه فراهم می‌آوردند تا آنها راه خاندان خود را باز یابند و به سوی خانواده شتابند. ولی گویا این آتش‌افروزی در نخستین دوره‌های اسلامی بهانه‌ای برای یک قیام سیاسی و مذهبی گشته و در این روز سنتی و ملی ایرانیان برای رهایی از زیر یوغ



بیگانگان قیام کرده‌اند و جنبشی ملی پدید آمده است. در بیشتر روستاهای ایران (و به‌خصوص مردم تات‌زبان تاجیکستان) نیز بر این باورند که این قیام را مختار بن ابی‌عبیده ثقفی و ابراهیم بن ملک برای خونخواهی امام حسین (ع) (که داماد و مورد احترام ایرانیان بود)^۷ کرده است. به هر حال، این آیین بعدها در سه‌شنبه شب آخر سال برجای ماند و هنوز هم پایدار است.^۸ بنابراین رسم آتش‌افروزی در میان تات‌های تاجیکستان از دوجنبه حائز اهمیت است یکی از جنبه باستان و دیگری از جنبه اسلامی؛ جنبه اسلامی آن مربوط به حمایت از قیام مختار و خروج او است.

رسم آتش‌افروزی کُله چارشنبه

آتش در نظر تات‌زبانان مظهر روشنی، پاکی، طراوت، سازندگی، زندگی، سلامت و تندرستی و در نهایت مظهر خداوند بود. تات‌زبانان تاجیکستان بر این باورند که شعله‌ها و شراره‌های آتش آنها را از هرگونه پلیدی و پلشتی پاک می‌سازد و به نور مطلق، که ذات باری تعالی است، می‌رساند. بیماری‌ها، زشتی‌ها، بدی‌ها و آفات و بلاها در عرصه تاریکی و ظلمت و مأوا جای دارند.

شایع‌ترین و معمولی‌ترین رسمی که تقریباً در سراسر سرزمین تاجیکستان همانند مناطق دیگر ایران زمین انجام می‌گیرد رسم آتش‌افروزی است. بدین صورت که معمولاً در گذشته سه توده آتش بر پشت بام‌ها می‌افروختند و حال در کوچه و برزن آتش می‌افروزند. این سه توده آتش را با خار (ورگ) یا درختچه‌های مو، هیزم و غیره می‌افروزند، و گاه روی آتش اسپند می‌ریزند چه دانه‌های آن برای دفع زخم چشم حسودان مفید است و افراد خانه با شادی و هلله و سرور از روی آتش می‌گذرند و می‌گویند:

«زردیم با اشته / سرخی با چمه» "surxi ba cemeh / zardim ba estah"

یعنی: زردروی، بیماری و ناتوانی را از من بستان و سرخی، شادابی و تندرستی را که در خود داری به من ببخش.

و اخیراً به فارسی می‌گویند «کُله کُله چارشنبه، چرا دیر آمدی، حلوی شیراز آمدی، سرخی تو از من، زردی من از تو»؛ یعنی: زردروی، رنج، پیسی و هرچه بلا و نکبت است تو ای آتش، ای رهاننده، از من بگیر و سرخ‌روی، شادابی و طراوت را به من ارزانی دار. مردم تات‌زبان

تاجکستان پس از پایان آتش‌افروزی خاکستر آن را داخل آب جاری می‌ریزند و معتقدند که هر کشتگاه با آن مشروب شود حاصلش پربرکت می‌شود. نکتهٔ دیگر اینکه حتی کوچک‌ترها را نیز بزرگترها بغل می‌گیرند و از روی آتش می‌گذرانند.

واژه کُله (Kole) در کُله چارشنبه

کُله به معنی آتش و محل آن است و کُله چارشنبه یعنی مکانی که در آخرین چهارشنبه سال آتش می‌افروزند و بیشترین معنی که مورد توجه است کُله به معنای یک تودهٔ آتش است؛ یعنی یک توده (یک گُل یا گُله) از آتش هست یک گُل، دو گُل و سه گُل.

رسوم متداول در چهارشنبه سوری بین تات‌زبانان تاجکستان

۱- رسم کوزه شکستن (تاکنه بشکستن، Takene beškestan)

معمولاً در چهارشنبه سوری صبح زود کدبانوی خانه کوزه یا ظروف سفالینه را بیرون از خانه می‌برد، آنها را به زمین می‌زند و می‌شکند و می‌گوید: «کهنه بشو، تازه بیا» (کهنه برو، تازه بیا) فلسفهٔ این کار این است که ما هرچه پلیدی، پیسی، بدی، درد، رنج و بلا و نکبت هست را دور ریختیم یا اینکه در این سال اگر کسی به ما ظلم و بدی کرده است ما کینه و کدورت او را از دل زدودیم و اینکه دیگر عهد صلح و صفاست و با کسی کدورت و قهری نداریم. این رسم از لحاظ بهداشت نیز حائز اهمیت است بدین منظور که ظرف‌های چرکین نیز نو می‌شوند و با این آیین به بهداشت خانواده یاری کرده‌ایم و بیماری‌ها را در سال نو از خانه دور ساخته‌ایم. هم‌چنین برای پیسی سال، زن‌ها جاروی کهنه‌ای را صبح زود به جای کوزه به بیرون می‌اندازند تا به پیسی و نحوست سال گذشته پایان دهند.



۲- فال گوش

این آیین اخیراً بیشتر در بین دختران رواج دارد. معمولاً وقتی که رسم آتش‌افروزی به پایان رسید دختران دم‌بخت حاجات و تمناهای درونی خود را با خداوند در میان می‌گذارند و این شب، شب برآورده شدن حاجات و نیازهاست. هرکس که در این شب هر حاجتی داشته باشد برآورده خواهد شد و بدین منظور دختران دم‌بخت در کوچه و خیابان و چهارراه‌ها به گوش می‌ایستند، اگر در آن مکان صحبت رهگذران درباره مسائل شادی‌بخش و امیدوارکننده‌ای مانند عید، عروسی، پول گرفتن و مهمانی رفتن باشد به فال نیک می‌گیرند و اگر احیاناً صحبت‌ها از روی تندی، عصبانیت و دعوا زده شود یا موضوعاتی از قبیل مریضی، مرگ و قرض مطرح شود به فال بد گرفته می‌شود.

اعتقاد به کله خاله (Kole xale) یا چهارشنبه خانون

زنان تات‌زبان تاجیکستان به موجودی خیالی به نام کله خاله، که زنی کوتاه قد و پیر است و معمولاً ایرادگیر، معتقدند و بر این باورند که باید قبل از عید نوروز و چهارشنبه سوری خانه‌تکانی کرد، خانه‌های اندرونی و بیرونی را تمیز کرد که مورد سرزنش و نکوهش کله خاله قرار نگیرند.

۳- برای بارور ساختن درختان کم‌بار

عصر روز سه‌شنبه آخر سال باغداران از قبرستان کهنه چند قطعه سنگ برمی‌داشتند و معتقد بودند که درختی که کم‌بار بود یا بار نمی‌آورد اگر یک قطعه سنگی در شب چهارشنبه در لابه‌لای شاخه‌های درختان نابارور بگذارند بدین وسیله گل و ثمر درختان میوه بیشتر می‌شود، بنده از پیرمردهای زیادی درباره این رسم سؤال کردم، گفتند که ما اعتقادمان بر این بود و درخت بارورتر نیز می‌شد.

۴- بخت‌گشایی دختران شوی نکرده

معمولاً زن‌هایی که دختر مانده و شوهر نکرده داشتند از مغازه یک قفل بسته می‌گرفتند و هنگام مراسم آتش‌افروزی، شب هنگام آن قفل را به نیت بازگشایی بخت دخترشان باز می‌کردند و معتقد بودند که دخترشان خیلی زود شوهر می‌کند و به خانه بخت می‌رود.

۵- سنت کک چینی با داس

شب چهارشنبه آخر سال کدبانوی خانه داس غله را تیز می‌کند بچه‌ها می‌گویند: ماما چه می‌کنی؟ جواب داده می‌شود: «کک بچینم، کنه جُل و جونور بچینم.» و در اتاق‌ها مطبخ، اندرونی، بیرونی و طویله‌ها مثل دروگر داس غله را می‌کشد و در این رسم سنت بر این بود که مادر دهنش را می‌بست و می‌گفت: «کک می‌چینم، کنه می‌چینم، جُل و جونور می‌چینم!» یعنی تمام جانوران موذی آن خانه را درو می‌کرد.

نوروز در فرهنگ تات، جشن تجدید پیمان دوستی، صمیمیت و زدودن غبار کینه و دشمنی است و در بین تات‌ها جشن تجدید میثاق صمیمیت و جشن مهر و آشتی است. در این ایام، عواطف عمیق تات‌ها رنگی سبز و تازه دارد. آنان نوروز را که قرن‌هاست در هر فراز و نشیب در حد توان خود با شکوه درخور توجهی برگزار می‌شود را معتنم می‌شمارند.

نوروز یکی از شادی‌های هزاران ساله و گرامی‌ترین جشن همبستگی قومی و ملی ایران، علی‌الخصوص برگزاری آن نمایان‌گر اصالت، هویت، جاودانگی و نشانه‌ای از جلوه‌های روح ملت تات‌زبان تاجکستان است. خردمندی و دانایی قوم تات در وفاداری نسبت به سنن و مورث ملیشان به وضوح مشاهده می‌شود. تات‌ها ایام نوروز را مقدس می‌دانند و تقدس این ایام و احترام به آن و تجلیل از این ایام به‌حدی برای تات‌زبانان گرامی و درخور توجه است که تات‌زبانان تاجکستان در پاییز هر سال، که محصولاتشان را جمع‌آوری می‌کردند ضمن تدارک لباس و غذا و غیره سهم نوروز را اول جدا می‌کردند. به‌طوری‌که حتماً خودشان را پایبند به رسومات نوروز می‌دانستند و حتی از لباس خود می‌زدند یا برای خوردن پلوی عید دیگ یا شیئی را گرو



می‌گذاشتند تا در به‌جای آوردن رسوم قصوری از خود نشان نداده باشند. در نوروز تمام کینه و کدورت‌ها رخت بر می‌بست و دوران صلح، صفا، صمیمیت و آشتی بود.

مقدمات نوروز

برای جشن نوروز از اسفند ماه هر سال مقدماتی فراهم می‌شد تا به مرور برای روز عید تمام کارها آماده باشد. بعضی از مقدمات نوروز بدین شرح بوده است:

از چند روز پیش از عید جنب و جوشی جدی و تدارکاتی حساب شده در خانه‌ها به‌وجود می‌آمد. خانه‌ها را زن‌های تاکستانی تمیز و نظیف می‌کردند. در خانه‌ها باید تمام وسایل گردگیری، پاک و تمیز باشد. ظرف‌های مسی را به رویگر می‌دادند و به اصطلاح سفید می‌کردند. ظروف غیر مسی را هم باید حتماً برای عید مجدداً می‌شستند. تمام فرش‌های خانه را زن‌ها از قالی، قالیچه، گلیم، نم‌د و غیره را در منزل یا خارج از منزل کنار موتورخانه‌های آب، که در سطح شهر وجود داشتند می‌شستند. لحاف و تشک را می‌شکافتند، رویه و آستر آنها را می‌شستند و پشم آنها را تجدید می‌کردند یا دوباره می‌شستند و به حلاجی می‌دادند. حیاط و اتاق‌ها را تا جایی‌که برایشان مقدور بود تمیز می‌کردند؛ بدین صورت که ابتدا گل سفت را با کاه مخلوط می‌کردند و با آن چاله چوله‌های دیوار خانه‌های اندرونی و بیرونی را می‌پوشاندند و دیگر اینکه خاک رُس را داخل آب له می‌کردند و گل‌آلود که می‌شد و کاه نرم را، که از قبل غریبل شده بود، به آن اضافه می‌کردند و پارچه‌ای به‌نام لیتِه (Liteh) با آن آغشته می‌کردند و به دیوارها می‌مالیدند که آثار خرابی خانه را از بین ببرد. گل سفت همراه کاه را «سیم گیل» (Simgil) و گل آغشته به خاک رُس با کاه نرم را «لاویّه» (Laviyh) می‌نامیدند یا اینکه از گچ و خاک رُس دوغابی درست می‌کردند و یک متر بالاتر از اصطلاحاً «لاویّه» را از این دوغاب گچ و خاک رس سفید می‌کردند و اصطلاحاً به آن «ایسیبه لاویّه» (Esbiyh Laviyh) می‌گفتند و به اصطلاح فارس‌ها خانه سفیدکنی می‌کردند تا آثار دود و کثافت کرسی زمستان برطرف شود و آنچنان‌که سال نو می‌شود حیاط اندرونی و بیرونی هم لباس نو بپوشند.

از چند روز قبل از عید آجیل معمولی تاجیکستانی‌ها تهیه می‌شد که مخلوطی از کشمش، مغز بادام، مغز هسته زردآلو، نخود و نقل بود.

شیرینی‌های عید غالباً نان ولی عهدی، زنجفیلی و غیره بود اما تا چند روز قبل از اینکه نوروز فرا رسد نان‌های شیرین محلی بخصوصی برای ایام عید تدارک می‌دیدند. یکی نان شیرینی به نام «شیرینه گیردیه» (Sirineh girdiyh) که شبیه شیرمال و مخلوطی است از دوشاب انگور، شیر، آرد، آب، زردچوبه و جوش شیرین که روی آن را با زرده تخم‌مرغ و شیر تزئین و رنگ می‌کردند و در تنور طبخ می‌شد. هم‌چنین نوعی نان شیرین کلوچه‌ای مانند به نام «اگر دک» (Agerdak) بود که مخلوطی از همان نان شیرمال فوق است به اضافه اینکه آن را در روغن سرخ می‌کردند و بسیار لذیذ و خوشمزه بود و هم‌چنین نوعی نان قندی به نام «قاق» که از قزوین می‌خریدند.

از دو هفته به عید سبزه عید را تدارک می‌بینند؛ یعنی مقداری گندم، عدس، ماش یا تره‌تیزک سبز می‌کنند، در تهیه سبزه عید بعضی‌ها تفنن زیادی به خرج می‌دهند و سلیقه‌های بخصوصی دارند.

یکی دیگر از مقدمات نوروز تهیه تخم‌مرغ رنگی و آب‌پز شده است. تخم‌مرغ را با ادویه‌های رنگی یا پوست پیاز یا انار ... رنگی می‌کنند و به رنگ‌های گوناگون درمی‌آورند و برای دادن عیدی یا گذاشتن بر سر سفره عید آماده می‌کنند.

مراسم هنگام تحویل سال

حدود یک ساعت قبل از موقع تحویل سال، اگر تحویل سال، در نیمه‌شب باشد معمولاً شب عید سفره عید را می‌چینند. در سفره عید در حال حاضر هفت‌سین شهرستانی‌ها که در تمام ایران رایج هست به انتخاب هفت چیز که اول آنها «س» است (یعنی با حرف س آغاز می‌شود) باید بر سر سفره چیده شود مانند سبزه، سرکه، سمنو، سیب، سنجد، سیر و سکه. حتماً باید قرآن، گلاب، آینه، تخم‌مرغ و ماهی قرمز در سفره باشد. در تاجیکستان ازمنه قدیم بر سر سفره فقط قرآن، سبزه، شیرینی گیردیه، اگر دک، آینه، گلاب و آجیل معروف تاجیکستانی‌ها به اضافه تخم‌مرغ رنگ کرده،



«قیسی» (زردآلوی خشک شده)، انجیر و غیره رویت می‌شد. اما اقلامی که بر سر سفرهٔ عید دیده می‌شود هرکدام فلسفه‌ای دارند، قرآن بر سر سفره به‌خاطر اعتقادات مذهبی است. معمولاً هنگام تحویل سال چند آیه‌ای تلاوت می‌کنند. آینه را به‌عنوان روشنایی به فال نیک می‌گیرند به‌علاوه بعد از خواندن یا دیدن قرآن، در آینه نگاه می‌کنند- چون بعضی معتقدند که دیدن روی برخی از مردم در اول سال خوب نیست و به اصطلاح شگون ندارد و اگر اول سال، اول ماه و اول صبح چشم انسان به اشخاص نحس بیافتد به آنان در طی سال، ماه و روز خوش نمی‌گذرد- و هرکدام از هفت‌سین فلسفه‌ای دارد که مجال آن نیست.

یکی دیگر از مطالبی که مربوط به تحویل سال است اعتقاد به منسوب بودن آن سال به اسم حیوانی است به‌عبارتی می‌گویند سال بر فلان حیوان می‌گردد. نام دوازده جانور که عقیده دارند عبارت‌اند از: موش، گاو، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، اسب، گوسفند، میمون، مرغ، سگ و خوک. مردم تات عقیده دارند هر سال که روی حیوانی می‌گردد در آن سال خوی آن جانور در زندگی عمومی اثر دارد، تصور مردم این است که سال موش، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، میمون و خوک خوب نیست و در آن سال خصوصیات مشابه با خوی آن جانوران در مردم ظاهر خواهد شد ولی سال گاو، اسب، گوسفند، مرغ و سگ خوب است. مثلاً می‌پندارند که در سال مار مردم از سختی زندگی مانند مار پوست می‌اندازند و حال آنکه در سال گاو و گوسفند فراوانی و وفور نعمت و امنیت برقرار است.

از مسائل مهم مربوط به تحویل سال این است که همهٔ اهل خانه سعی می‌کنند که با هم بر سر سفرهٔ تحویل سال حاضر بشوند.

همین‌طور سعی می‌کنند کینه‌ها و اختلافات را برطرف کنند و روز عید همه با شادی، خوشحالی و روی خوش به هم برسند و با خوش‌رویی از یکدیگر پذیرایی کنند، اگر در خانواده‌ای بین افراد خانواده کینه و کدورتی باشد به پیشنهاد و وساطت بزرگان خاندان رفع می‌شود.

مراسم شب عید نوروز

تمام مردم باید در این شب قیمه پلو، ماهی پلو با سبزی قورمه، یا مرغ و پلو بخورند و پلو خوردن شب عید تات‌ها ضرب‌المثل است. گاهی هم مردان ختیر تات پلوی شب عید افراد فقیر یا همسایه را فراهم می‌کردند و بدون ریا و تظاهر به خانه آنها می‌فرستادند.

اگر کسی نامزد کرده است باید شب عید از طرف خانواده‌اش برای نامزد (عروس) در مجمع مسی بزرگی که به اصطلاح «تفت» (Taft) نامیده می‌شود پلوی شب عید آنها را بفرستد. این شام که به «شب عیدی» معروف است معمولاً شامل یک بشقاب پلو، میوه‌جات، کشمش، شیرینی، بادام، لباس، حنا، صابون، تخم‌مرغ، نقل، چارقد، چادر، کفش، جوراب، شانه، آینه، طلا و زیور و غیره بود که در چند مجمع مسی «تفت» می‌گذاشتند و سرش را با پارچه‌ای می‌پوشاندند و هرچه این مجمع مسی بزرگ تفت و عیدی عروس را دیرتر می‌بردند برای ابهت عروس بهتر بود و بعد صاحب‌خانه موظف بود برای آورندگان عیدی و پلوی عروس سفره شام بیندازد و این رسم را می‌بایست حتماً به‌جای آورند و در قبال آن به آورندگان عیدی و پلوی عروس نیز عیدی از قبیل جوراب و غیره می‌دادند.

در سال اول زناشویی و گاهی تا چندین سال در شب عید پدر و مادر عروس برای داماد شب عید عیدی هدیه می‌فرستادند اما این شب عیدی‌ها دیگر عوض ندارد و به اصطلاح دیگر «جایی ندارد»؛ یعنی چیزی به‌جای آن به خانواده عروس بر نمی‌گردد.

شب عید را اهل خانه با سرور و نشاطی وافر به‌سر می‌کردند و وسایل فردا را آماده می‌ساختند به طوری که ممکن بود در این شب دیر نیز بخوابند.

یکی از مراسم عید نوروز حنا بستن و آرایش زنان بود؛ البته این شیوه مخصوص نیم قرن پیش بود و اکنون به آرایشگاه‌های مجهز زنانه مراجعه می‌کنند. ولی در سابق حمام رفتن و حنا بستن حتماً انجام می‌گرفت خاصه در مورد تازه عروس‌ها. زنان به حمام می‌رفتند تا آثار خانه‌تکانی و تدارکاتی را که برای عید دیده بودند زایل کنند و با باطن و روح پاک و جامه تمیز و نو به پیشواز عید بروند.



تات‌زبانان دو روز پس از چهارشنبه سوری یعنی در شب جمعه آخر سال و آخرین روز سال یا در روز عید بنا بر یک رسم قدیمی با مراسم فاتحه‌خوانی بر مزار درگذشتگان و زیارت اهل قبور می‌روند و فاتحه‌ای می‌خوانند و خیراتی می‌دهند.

مراسم روز عید

در روز عید هیچ‌کس به دنبال کار نمی‌رود. از قدیم‌الایام این روز تعطیل ملی و عمومی بوده است. با روشن شدن هوا و قبل از طلوع آفتاب مراسم نوروزی آغاز می‌شود. قبل از طلوع در خانه‌های تات‌ها باز است و جلوی در آب و جارو شده و آماده پذیرایی است، مراسم عید را بیشتر بچه‌ها شروع می‌کنند.

دید و بازدیدها از صبح روز عید آغاز می‌شود. بچه‌ها (پسرها و دخترهای خردسال) با لباس نو برای گرفتن عیدی به خانه‌های بزرگان می‌روند و به بانو یا پدر خانه سلام می‌دهند و روی آنها را می‌بوسند و بعد از خوردن آجیل و شیرینی، عیدی را که حال شامل پول یا تخم‌مرغ و ... است می‌گیرند و تا ظهر معمولاً به تمام خانه‌های فامیل می‌روند.

بچه‌ها از لحاظ عیدی گرفتن دو دسته‌اند: بعضی‌ها که زندگی مرفهی دارند فقط به خانه بستگان و نزدیکانشان می‌روند و از بزرگترها عیدی می‌گیرند و عده بسیاری، که فقیر هستند، سعی می‌کنند به تمام خانه‌ها بروند و از آنها عیدی بگیرند ولو اینکه عیدی ناچیز باشد. غیر از عیدی گرفتن بچه‌ها، مراسم دید و بازدید عید از این قرار بود که کوچک‌ترهای خانواده به ترتیب از بزرگترها دیدن می‌کردند و رسم بر این بود که به دیدار بزرگتران خاندان از نظر سن و شخصیت بروند و روی آنها را می‌بوسیدند. بزرگترها نیز روی آنها را می‌بوسیدند و بعد از صرف شیرینی و آجیل عیدی می‌گرفتند. عیدی بزرگترها جوراب یا گاه پول بود.

به همین ترتیب عمل می‌کردند تا نوبت به دیدن بزرگ خاندان برسد که معمولاً پدر بزرگ یا مسن‌ترین فرد خاندان بود. در آنجا همه پذیرایی می‌شدند و همه عیدی می‌گرفتند. سپس افراد بزرگتر خاندان به دیدن دیگر بزرگان محل، کدخدا و ریش‌سفیدان می‌رفتند و طوری برنامه را انجام می‌دادند تا از تمام کسانی که لازم می‌دانستند در نوروز (روز اول عید) دیدن کرده باشند.

دیدار در این روز تمام می‌شود ولی بازدیدها تا سیزده نوروز وقت دارد. جملات تبریک با اختلاف مورد عبارت است از: عیدی مُبارک (Aydi mobarak)، نُو سالی مُبارک (Nosali mobarak)، صد بی ین سألون بَرسی (Sad biyan salon barasi) در جواب عید شما مبارک، تیده همچنین (Taydeh hamçenin)، پیر مار وی (Payr marivi).

اگر ایام عید مصادف با سوگواری‌های مهم مذهبی باشد به‌جای تبریک گفتن صلوات می‌فرستند یا مثلاً «لعنت بر یزید» در مورد روز عاشورا و در ماه محرم؛ یا «لعنت بر ابن‌ملجم» درباره قتل حضرت امیر (ع) در ماه رمضان. اگر عید نوروز در ماه رمضان افتد معمولاً دید و بازدیدها برای افطار دعوت می‌شوند و دید و بازدیدها صورت می‌پذیرد.

در روز عید نباید اوقات تلخی کرد و عصبانی شد و نیز نباید هیچ گدا و سائلی را محروم از در خانه رد کرد.

عید کسانی که عزادار هستند و در ضمن سال یکی را از دست داده‌اند بدین صورت است: کسانی که یکی از بستگان و عزیزان خود را از دست داده‌اند عید نمی‌گیرند؛ یعنی زنان حنا نمی‌بندند و مردان هم سر و صورت خود را کوتاه نمی‌کنند؛ سفره انداخته نمی‌شود و فقط خرما می‌گذارند و سبزه، قرآن و آینه نیز می‌گذارند؛ البته دوستان و بستگان به دیدار آنها می‌روند و از دیدارکنندگان با شربت، چای، خرما و میوه پذیرایی می‌شود. محاسن و نیکی‌های این رسم به یاد ماندنی این است که مردم دسته‌دسته به خانه مصیبت‌زدگان می‌روند تا آنها فارغ از غم سنگین عزیزی که در طی سال از دست داده‌اند زندگی تازه‌ای را آغاز کنند. این آیین کهن مردم تات از لحاظ روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارزش‌های بسیار بالایی دارد؛ زیرا آنان را از حزن و اندوه بیرون می‌آورد. بسیاری از آیین‌های تات‌زبانان با گرامیداشت شادی‌ها و دوری‌گزینی از حزن و اندوه همراه است.

رسم شال‌اندازی (لوکه ویجینه، Luke vijineh)

در شب عید، داماد شالی را که از پشم گوسفند بافته می‌شود و طول تقریبی آن به سه متر یا بیشتر می‌رسد به کمر بسته به بام خانواده عروس می‌رفت - آن زمان بام خانه‌ها گنبدی بود و بالای گنبد



سوراخی به جهت تهویه هوا گذاشته بودند- شال را از سوراخ بام به درون خانه آویزان می‌کرد. در این موقع، مشاجرات لفظی که بیشتر جنبه شوخی داشت و غرض از آن کشف هویت شال‌انداز بود درمی‌گرفت. شرط بر این بود که به هیچ‌وجه نام آویزان‌کننده شال نباید فاش شود چون کشمکش بین آویزان‌کننده شال و افراد خانه به زورآزمایی منجر می‌شد. بسا اتفاق می‌افتاد که شال از دست آویزان‌کننده رها می‌شد و به درون خانه می‌افتاد و شال‌انداز بدون نتیجه و دستاوردی برمی‌گشت. هرگاه آویزان‌کننده شال فایق می‌آمد و شال در دستش باقی می‌ماند ساکنان خانه هدایایی که متناسب با استطاعت آنان بود در شال می‌بستند و به بالا می‌فرستادند. به تاتی به این رسم «لوکه ویجینه» می‌گویند.

بازی‌های نوروزی

تخم‌مرغ بازی (کرخاوازی، Karxa vazi)

یکی از بازی‌های نوجوانان و جوانان علاوه بر سایر بازی‌های محلی تاکستان جنگ با تخم‌مرغ یا تخم‌مرغ بازی است. از چند روز به عید مانده تا پایان سیزده نوروز در کوچه و برزن این بازی به چشم می‌خورد. سر و ته تخم‌مرغ را به هم می‌زدند و هر تخم‌مرغی که شکسته شود طرف تخم‌مرغ را باخته است.

تيله‌بازی (تله‌وازی، Teleh vazi)

قاب‌بازی (قاپه‌وازی، Qapeh vazi)

سیزده‌بدر (سینزم، Sinzam)

رسم بیرون رفتن از خانه در روز سیزدهم فروردین ماه و آن روز را به شادی و خرمی و خوشی گذراندن از رسوم دیرین ایرانیان و تات‌هاست. فلسفه روز سیزده در تات‌های تاکستان این است که با تمام شدن سیزده، جشن نوروز نیز تمام می‌شود و به پایان می‌رسد. روز سیزده را اعتقاد بر این بوده است که نحس است. خلاصه اینکه این روز به آیین‌های نوروزی عید نوروز که از

چهارشنبه سوری شروع می‌شود پایان می‌دهد و روز چهارده همگی مردم به امور روزانه خود می‌پردازند و برای دید و بازدیدها نیز عذری باقی نمی‌ماند.

تدارکات روز سیزده

معمولاً عصر روز دوازده همه وسایل خریداری یا از خانه برداشته و بقایای میوه و آجیل عید گردآوری می‌شود. رسم بر این است که در این روز از سبزی، کاهو و برنج در غذای روزانه استفاده شود. معمولاً هر چند خانواده با هم قرار تدارکات سیزده بدر را می‌گذارند.

مکان‌های تعیین شده برای سیزده نوروز

تات‌ها در روز سیزده ابتدا اعتقاد و عزم آنان بر این است که سبزه را به آب بیندازند و نیز معتقدند که سبزه را به آبی بیندازند و بگذرند. در تاجیکستان بیست متر پایین‌تر از ریل آهن قناتی بود به نام «هفتم مهر» که مردم اکثراً از این آب رد می‌شدند و سبزه را درون آب می‌انداختند و برمی‌گشتند. بالاتر از این قنات یک باغ بادامستان معروف به فلاحت بود- از املاک سلطنتی محسوب می‌شد، واقع در خیابان امام (ره) بانک ملی و شهرداری فعلی- مردم به آنجا می‌رفتند و دخترها و پسرهای جوان، زنان و مردان لحظاتی به خوشی و شادی به سر می‌بردند. مکان‌های دیگر سیزده نوروز کریزابی (Karizabi)، آق داق (Aqdaq) باغات و کوهستان‌های اطراف و خُندا (Xonda) است. خندا تپه‌ای است نزدیک تاجیکستان و امامزاده‌ای منسوب به محمد حنفیه فرزند امام موسی کاظم (ع) در آنجا واقع است. دختران جوان از سبزه‌های اطراف آن به‌عنوان فال زدن و گره زدن سبزه استفاده می‌کردند و شعرها و ترانه‌هایی می‌خواندند از قبیل: «آدل بدل سیزده بدل سال دیگه خانه شوهر بیچه بغل» اما کسانی که نمی‌توانستند به باغات و کوهستان‌های اطراف بروند در بالای بام خانه فرشی پهن می‌کردند و بساط چای و نهار را تدارک می‌دیدند و دایره (دف) و تنبک می‌زدند، رقص و پایکوبی می‌کردند و خلاصه آن روز را به خوشی و شادی به سر می‌بردند. در کوهستان‌ها و باغات اطراف دختران دم‌بخت و پسران جوان درحالی، که شوخی و خنده می‌کردند، در میان مزارع آن روز را به خوشی و شادی می‌گذراندند. همیشه تات‌ها از روز سیزده نوروز خاطره خوشی به یاد دارند. اما نکته بسیار مهم اینکه رویاندن سبزه در ایام نوروز و بردن آن به دشت و صحرا نشان‌دهنده علاقه عمیق مردم تات‌زبان به سرسبزی و خرمی است.



بدین ترتیب، مراسم نوروز در تاکستان جلوه‌ای از نمادهای فرهنگ ملی ایران و باورهای کهن است که در ضمن آن رنگ و بوی اسلامی و مذهبی نیز به خود گرفته است. امیدواریم که این نوشته حلقه‌ای برای پیوند یادمان‌های کهن با دستاوردهای جدید مردم تات تاکستان گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. گیتاشناسی کشورها.
۲. آمارنامه استان زنجان (۱۳۷۰)، بدون احتساب بخش اسفرورین.
۳. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران.
۴. طاهری، عباس، بررسی گویش تات تاکستان، (اثر چاپ نشده است).
۵. پدرام، علی، منظومه شعری «ته آبادایی سیادن».
۶. طاهری، محمدحسین، دفتر شعر آبی و آرون، بند ۱۴: ترانه خوان نوروزی پشت در آمده- از عید ترانه از حفظ می‌خواند- از روزهای خوشی خبر می‌دهد- اسکناس پنج ریالی انعام می‌خواهد- ای باران جز به مزارع گندم مبار

Noroz no sal bumi postbar-Aede xo maje trane az var
Xose revon xo andiy xabar-Anomos mogo sorx panj qaron
Ai varon varon-Amone bevar gandome jaron

۷. «هنگامی که مختار تقفی به خونخواهی حضرت امام حسین (ع) قیام کرد دستور داد بر فراز پشت‌بام‌ها آتش بیفروزند تا با این آتش یاران حضرت آگاه شوند که مختار قیام کرده است و مردم در میدان شهر گرد آیند و نبرد را آغاز کنند». «برخی دیگر بر این عقیده‌اند که چون مختار تقفی بر دشمنان چیره شد دستور داد به نشانه این پیروزی بر پشت‌بام‌ها آتش بیفروزند و سرور و شادی کنند».
۸. فره‌وشی، بهرام، جهان فروری، ۱۳۶۴، ص ۴۳.